



مصطفی مصلح زاده دیپلمات سابق درگفت و گو با «ایران» از سیاست همسایگی دولت سیزدهم گفت

تلاش برای فریزدایی روابط در صحنه بین الملل

منطقه

با روی کار آمدن دولت سیزدهم، «سیاست همسایگی» به یکی از اولویت های دستگاه دیپلماسی تبدیل شد؛ آن هم در شرایطی که به گفته مصطفی مصلح زاده دیپلمات سابق، دولت قبلی نسبت به همسایگان، اگر نگوئیم بی توجه، بسیار کم توجه بود و یک سیاست خارجی شکست خورده را تحویل دولت بعد از خود داد. مصلح زاده با تقسیم بندی سیاست خارجی به ۴ بخش مختلف، از کاستی های دولت گذشته در برقراری ارتباط با کشورهای مختلف یاد کرد و گفت که دولت سیزدهم به دنبال فریزدایی از این روابط است. مشروح این گفت و گو را در ادامه بخوانید:

تنها یک بخش از سیاست خارجی ایران بود. بخش دیگری از سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای جهان سوم در امریکای جنوبی و آفریقا بود. دولت قبل تقریباً اقدام مهمی در ایجاد و یا بهبود رابطه با آنها انجام نداد و دچار نوعی تعلیق شده بود.

بخش سوم از سیاست خارجی که به دولت تحویل داده شد، بخش همسایگان و دولت های منطقه غرب و شمال آسیا شامل چین و روسیه و در واقع دولت های عضو شانگهای بود. در این دو مورد هم سیاست دولت قبلی، چیزی جز فریز کردن رابطه نبود. نمونه آن کشور چین بود. رئیس جمهور چین، به ایران سفر کرد و متأسفانه دولت قبلی پاسخی به خواسته های دولت این کشور نداد و وی کاملاً مأیوس به کشورش بازمی گردد. تا سال ۱۴۰۰ رابطه ایران و چین به صورت فریز شده باقی ماند. ما تا سال ها در این کشور سفیر نداشتیم و فقط در مواردی مانند برجام به این کشور روی می آوردیم. این نکته خیلی عجیبی است. روابط ایران با روسیه هم اینگونه بود. مگر در مواردی که به برجام مربوط می شد، کاری به روس ها نداشتیم. بخش چهارم از سیاست خارجی هم، منطقه

لازمه ارزیابی سیاست همسایگی دولت سیزدهم در مسیر حل چالش ها، این است که مقایسه ای با دولت گذشته انجام شود تا مشخص شود که در چه شرایطی کشور تحویل دولت سیزدهم شده و طبق همین شرایط تا چه اندازه توانسته در حل چالش ها موفق عمل کند. ارزیابی شما از وضعیت سیاست خارجی حاکم بر کشور در زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم چیست؟

دولت سیزدهم یک سیاست خارجی تقریباً شکست خورده را تحویل گرفت. به هر پروژه ای در زمان دولت قبل نگاه کنیم، آن را شکست خورده می بینیم. مهمترین پروژه دولت قبلی، بازاندیشی و بازسازی رابطه با امریکا بود؛ من عمداً کلمه بازاندیشی و بازسازی را بطور توأمان بکار می برم. امریکا در این بازاندیشی، اساساً دشمن محسوب نمی شد بلکه دوست و یا نهایتاً رقیب شناخته می شد. در مورد اروپا هم اینگونه بود. دولت قبل سعی داشت ارتباط نوینی را با کشورهای اروپایی ایجاد کند. دولت درهمه این استراتژی ها شکست خورد. سمبل آن هم برجام بود که نه امریکایی ها و نه اروپایی ها، تقریباً به هیچکدام از تعهدات خود عمل نکردند. این

روابط با سوریه در دولت قبلی بشدت محدود شده بود. به طوری که نه رئیس جمهور حاضر به سفر به آنجا بود و نه حاضر بود قدمی در جهت گسترش روابط با سوریه بردارد. در مورد لبنان و عراق هم اینگونه بود. بسیاری از پروژه ها در دولت قبلی که مربوط به عراق و سوریه و لبنان بودند، تعلیق شدند

آسیای غربی را شامل می شود که البته برخی از کشورهای آن همسایه ایران هستند. بطور مثال، روابط با سوریه در دولت قبلی بشدت محدود شده بود. به طوری که نه رئیس جمهور حاضر به سفر به آنجا بود و نه حاضر بود قدمی در جهت گسترش روابط با سوریه بردارد. در مورد لبنان و عراق هم اینگونه بود. بسیاری از پروژه ها در دولت قبلی که مربوط به عراق و سوریه و لبنان بودند، تعلیق شدند. راه آهن خرمشهر-بصره در طول ۸ سال دولت قبلی حتی یک متر هم پیشروی نداشت.

برای راه خاکی ایران-عراق-سوریه که از مرز بوکمال رد می شود حتی یک قدم هم برداشته نشد. اینها پروژه های بسیار مهم ایران بوده است؛ هم به لحاظ همسایگان و هم به لحاظ منطقه ای که مربوط به بلوک مقاومت می شده است.

پروژه اربعین هم همین بود. پادمان هست که مردم در چه شرایط سختی به اربعین می رفتند اما دولت قبل اقدام در خوری انجام نداد. در حالیکه بلافاصله با روی کار آمدن دولت جدید، با حذف ویزا زائران به راحتی به عراق سفر کردند.

نزدیک به دو سال از روی کار آمدن دولت سیزدهم می گذرد، حالا وضعیت این پروژه ها در چه شرایطی قرار دارند؟

الان هم راه های خاکی در حال پیگیری است و هم راه راه آهن. این مقایسه نشان می دهد که توجه به دولت های همسایه و کشورهای بلوک مقاومت در دو دولت چقدر با هم تفاوت داشته است. دولت فعلی در دومین سال حضورش به سوریه سفر داشته است. در حالی که رئیس جمهور قبلی ۸ سال حاضر